

نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال بیست و یکم، شماره ۶۱، تابستان ۱۴۰۰

## بررسی مسائل و مشکلات طرح بهسازی مسکن روستایی از دید ناظران فنی شهرستان کرمانشاه

دریافت مقاله: ۹۷/۴/۲۲ پذیرش نهایی: ۹۷/۱۲/۸

صفحات: ۱۳۳-۱۵۲

آئیژ عزمی: استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران<sup>۱</sup>

Email: a.azmi@razi.ac.ir

اکرم رزلانسری: کارشناس ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی کرمانشاه، ایران

Email: arazlansari@yahoo.com

لیلا مطاعی: کارشناس ارشد علوم اجتماعی، برنامه‌ریزی گردشگری، دانشگاه باختر ایلام، ایلام، ایران

Email: Leyla.mataei@yahoo.com

### چکیده

در سال‌های اخیر، طرح بهسازی مسکن روستایی با هدف بهبود وضعیت زندگی روستاییان تدوین و اجرا شده است. با این همه این طرح با مشکلات و چالش‌هایی روبرو بوده است که هدف از این مقاله بررسی مسائل و مشکلات پیش‌روی آن است. روش تحقیق کاربردی، غیر آزمایشی از نوع پیمایشی است که از ابزار پرسشنامه جهت جمع‌آوری اطلاعات بهره برده شده است. جامعه آماری شامل ۵۰ نفر از ناظران فنی شهرستان کرمانشاه است که به روش سرشماری تعیین شده‌اند. پایایی تحقیق از طریق ضریب آلفای کرونباخ تایید شده است که برابر با ۰/۸۲ بوده است. روایی تحقیق با کمک نظر متخصصان تحقیق و همچنین ضریب K.M.O (برابر با ۰/۷۴) و آزمون بارتلت (معنی داری برابر با ۰/۰) بررسی و تایید شد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ناظران فنی معتقد بودند، آگاهی روستاییان نسبت به طرح کم است، اما انگیزه روستاییان درباره بهسازی مسکن روستایی بالا است، با این همه مشکلات فرهنگی متعددی بر سر راه پروژه بهسازی وجود دارند که بایستی حل شوند. یافته‌ها نشان می‌دهند که با افزایش فاصله روستا از شهر کیفیت مصالح ساختمانی خانه‌ها کاهش یافته است. نتایج تحلیل عاملی نشان می‌دهند که ۵ مؤلفه جنبه‌های فردی مردم و ناظران، تمایل و انگیزه مردم به بهسازی، میزان تاثیر بهسازی بر بهبود وضعیت مردم، چالش‌های قانونی و نظارتی پیش روی اجرای بهسازی و زمان اجرای پروژه بهسازی توسط مردم روستایی بر دیدگاه آن‌ها نسبت به بهسازی مسکن روستایی در شهرستان کرمانشاه تاثیرگذار بوده است. همچنین یافته‌ها نشان می‌دهند که با گذشت زمان آگاهی مردم به طرح بهسازی افزایش یافته و مخالفت‌ها نسبت به آن کاهش یافته است.

کلید واژگان: بهسازی مسکن روستایی، ناظران فنی، شهرستان کرمانشاه، آگاهی مردم، کیفیت مصالح ساختمانی.

۱. نویسنده مسئول: کرمانشاه، باغ ابریشم، دانشگاه رازی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه جغرافیا-تلفن: ۰۹۱۲۳۱۴۳۳۵۴

## مقدمه

یکی از مؤلفه‌های مهم در زندگی مناسب هر فرد، داشتن مسکن مناسب و استاندارد است. به واسطه اینکه افراد در مسکن خود بیشتر ساعات عمر را می‌گذرانند، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. با این اوصاف تلاش شده تا اقداماتی جهت بهبود مسکن افراد جامعه صورت گیرد. با مقایسه‌ای که بین مسکن روستایی و شهری صورت گرفته، مشخص شده که مسکن روستایی از کیفیت پایین‌تری برخوردار است. لذا دولت‌مردان برنامه‌های مختلفی را جهت بهبود مسکن روستایی تدارک دیده‌اند، که از جمله آن‌ها طرح بهسازی مسکن روستایی از طریق اعطای وام به متقاضیان است. این طرح که از سال ۱۳۸۴ آغاز شده با مسائل فنی قابل توجهی روبرو شده است. با این همه این طرح نیز همانند هر طرح دیگری نیازمند بررسی و شناسایی نقاط قوت و ضعف خود است تا از این طریق عملکرد آن بهبود یافته و موانع احتمالی کاهش یابد که هدف این تحقیق بررسی این مسائل و مشکلات است.

## مبانی نظری تحقیق

در حالی که در شهرها مهم‌ترین وجه برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات معطوف به رفع کمبود مسکن و عمدتاً مبتنی بر ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضاست، مشکل اصلی در روستاها عرضه و تقاضا و کمبود آن نیست. به بیان دیگر مهم‌ترین چالشی که مسکن روستایی با آن مواجه بوده ایجاد تعادل بین عرضه و تقاضا نیست، بلکه وجود پدیده بد مسکنی ناشی از فقدان استحکام مناسب، فرسودگی، آلودگی‌های بهداشتی ناشی از تداخل فضاهای زیستی و معیشتی درون خانه، و در عین حال برخورداری خانه از ارزش‌هایی چون طراحی متناسب با شیوه زیست و معیشت، بوم‌آوری، برخاستن از مکان و بستر محیط طبیعی است. در این راستا طی ۳-۴ دهه اخیر اقداماتی در جهت رفع معضلات فوق صورت گرفته که تبیین و تحلیل آن‌ها و بهره‌مندی از بازخورد نتایج‌شان در برنامه‌های موجود و جهت‌گیری مناسب سیاست‌ها و برنامه‌های آتی ضرورت پیدا نموده است (کلانتری و شاهکوهی، ۱۳۸۱: ۱۸۷).

عمران و توسعه‌ی روستایی در چند دهه‌ی اخیر همواره یکی از دغدغه‌های اصلی توسعه در ایران و اکثر کشورهای در حال توسعه بوده است. توسعه‌ی روستایی با نوین‌سازی جامعه‌ی روستایی و خارج نمودن آن از انزوای سنتی با اقتصاد ملی عجین شده است. توسعه‌ی یک ناحیه‌ی روستایی باید در چارچوب کلی سیاست‌های ملی طراحی گردد (یدقار، ۱۳۸۳، ۷۱). در واقع بین توسعه‌ی روستایی و توسعه‌ی ملی نوعی پیوستگی است و قوانین کشاورزی و زیست محیطی تأثیر زیادی بر توسعه‌ی نواحی روستایی خواهد داشت (کوکران، ۲۰۰۷: ۱۸۹). بعد از سال‌های ۱۹۴۰ در جهان چندگونه‌گرایش نوسازی روستایی شکل گرفت. در حوزه‌ی کشورهای آسیای جنوب شرقی، مالزی و تایلند ضمن نگهداشت دیرینه‌ها و قواعد محکم زندگی روستایی سازمان کار، فعالیت و معیشت نوین روستاییان به سمت همبستگی و مشارکت همه‌ی عوامل و امکانات تولید جهت داده شد. توانمندسازی اجتماعی و اقتصادی، نوسازی متناسب کالبدی و ایجاد ظرفیت‌های جدید کار و فعالیت، اساس این نوسازی‌ها بوده است (UNDP, 2007, 2).

مدیریت روستایی با مشارکت گذاشتن همه‌ی امکانات تولید و نیروی انسانی و ابزار کار، تمامی سازندگی و شکوفایی اقتصادی آلمان پس از جنگ را سازمان دادند. کشور لهستان نیز بازسازی اقتصادی، اجتماعی و کالبدی شهر و روستاهای خود را در قالب‌های مشابهی سازمان داد. در انگلستان تعاونی‌های تولید و اتحادیه‌های آنان طی شبکه‌ی نیرومندی همه‌ی جامعه‌ی روستایی را سازماندهی نمودند (مهندسان مشاور تدبیر شهر، ۱۳۸۵، ۱۷). بررسی و شناخت نواحی روستایی و تحلیل قابلیت‌ها و تنگناهای آن‌ها در فرایند برنامه‌ریزی توسعه‌ی روستایی اهمیت بسزایی دارد و امروزه آگاهی از این امکانات و تنگناها، نوعی ضرورت جهت ارائه‌ی طرح‌ها و برنامه‌های توسعه محسوب می‌شود. طرح‌های بهسازی روستایی از جمله طرح‌های توسعه‌ی روستایی است که در آن‌ها سعی شده است نسبت به بهسازی و سازماندهی مسکن روستایی اقدام شود (کلانتری و شاهکوهی: ۱۳۸۱، ۱۸۷).

برای طرح‌های تغییر و تحول در مسکن روستایی نظریات مختلفی وجود دارد که آن‌ها را می‌توان بر سه دسته تقسیم کرد:

الف- بهسازی: در این نوع مداخله اصل بر وفاداری به گذشته و حفظ آثار هویت بخش در آن‌هاست. فعالیت بهسازی با هدف استفاده از امکانات بالقوه و بالفعل موجود و تقویت جنبه‌های مثبت و تضعیف جنبه‌های منفی از طریق حمایت، مراقبت، نگهداری، حفاظت، احیا، استحکام بخشی و تعمیر صورت می‌پذیرد. دخالت در این بافت‌ها، مستلزم رعایت ضوابط و مقررات سازمان میراث فرهنگی است؛

ب- نوسازی: در این نوع مداخله حد وفاداری به گذشته از انعطاف پذیری بیشتری برخوردار است و بر حسب مورد از مداخله اندک تا تغییر را می‌تواند شامل شود. فعالیت نوسازی با هدف افزایش کارایی و بهره‌وری، بازگرداندن حیات شهری به بافت است و از طریق نوکردن، توان بخشی، تجدید حیات، انطباق و دگرگونی صورت می‌پذیرد؛

ج- بازسازی: در این نوع مداخله نه تنها هیچ الزامی برای حفظ گذشته ندارد؛ بلکه با هدف ایجاد شرایط جدید زیستی و کالبدی-فضایی و از طریق تخریب، پاکسازی و دوباره سازی صورت می‌گیرد (مطوف و همکار، ۱۳۸۱: ۱۳۱).

همچنین طرح‌های بهسازی از بعد کیفیت زندگی نیز قابل بررسی و تحلیل هستند که این مؤلفه را می‌توان در ابعاد کلان اجتماعی-اقتصادی و محیطی طبقه‌بندی کرد. رفع و بهبود زیرساخت‌ها، وضعیت آموزشی، مسکن، حمل و نقل، فضای سبز که بخش‌هایی از مؤلفه کیفیت زندگی روستایی محسوب می‌شوند و این مؤلفه‌ها می‌توانند کیفیت زندگی انسان‌ها در روستا را در تمام زوایا تحت تاثیر قرار دهند (قالیباف و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۵). دیدگاه‌های مطرح شده در زمینه حفاظت و بهسازی شامل بر سه رویکرد موزه‌ای، سلولی و ارگانیکی می‌باشد.

الف) موزه‌ای: شعاع عملکرد این روش محدود، فعالیت‌ها، آسان و تلاش برای حفظ قسمتی از بافت از نظر جنبه‌های کالبدی-فضایی است که با هزینه کمی عملی می‌گردد. این روش بر حفاظت از میراث فرهنگی استوار است؛

ب) سلولی: در این روش ارزش ارتباطی آثار در کل مجموعه از بین می‌رود و حفظ ارزش اثر بدون توجه به ارتباط آن با کل ارگانیک مطرح است. به همین نسبت ارزش‌های علمی که باید به نسل آینده منتقل شود نیز محدودتر است. این نگرش محصول انقلاب صنعتی است.

ج) ارگانیک: طبق روش ارگانیکی اصالت بافت حفظ می‌شود و آن‌چه از گذشته به یادگار مانده است؛ با همه ارزش‌هایش به نسل‌های آینده منتقل می‌گردد. با اعمال نگرش ارگانستی از طریق تبیین نقش بافت‌های با ارزش در سازمان فضایی یک روستا این بافت‌ها را از حالت یک سیستم بسته خارج می‌کنند (عناستانی و خاتمی، ۱۳۹۶: ۱۲۲ و ۱۲۳).

نظریه پردازان مکتب نوگرایی-آرمان‌گرایی از جمله شارل فوریه، ربرت اوئن، وال تر گروپیوس،... طی سال‌های (۱۹۴۸ - ۱۸۶۹) توجه به افزایش کارایی و بالا بردن زیبایی در روستا، با استفاده از مصالح جدید و خلق فضاهای جدید در روستا تاکید داشته‌اند و عمدتاً نوع مداخله را بازسازی به سبک امروزی با کاربری و تکنولوژی جدید می‌دانستند. نظریه پردازان مکتب انسانگرایی از جمله کوین لینچ، پاتریک گدس، لوئیس مامفورد، ... طی سال‌های (۱۹۳۲-۱۸۵۴) توجه به طبیعت و فرهنگ مهم را می‌پنداشتند و در انجام بهسازی و نوسازی بر اساس بافت ارگانیک و سلسله مراتب عملکردی و انطباق مکان و زمان در بنا یا مجموعه‌های شهری و روستایی با حضور مطالعات برنامه‌ریزی روستایی در بهسازی و نوسازی روستا تاکید می‌ورزیدند (کیانی و همکاران، ۱۳۸۹: ۲۵). اندیشمندان مکتب پست مدرن-فرانوگرایانه از جمله چارلز جنکس، بوین وراتانسی، گرگن، ... از سال‌های ۱۹۶۰ تا کنون، تلفیقی از مداخله نوگرایانه و فرهنگ‌گرایانه را مطرح کردند تا از افراط و تفرط دو نوع مداخله بکاهد. خط مشی اکثریت آن‌ها برای بهسازی و نوسازی روستا، حفظ تاروپود بافت کهن-تاریخی در کنار دگرگونی‌های کالبدی فضایی روستا و رشد ارگانیک آن بوده است. پست مدرنیسم برای بازگشت به مقیاس انسانی، احیای دوباره اجتماعات و اشکال بومی تلاش می‌کند و بر خلاف مدرنیسم به سنت‌های بومی و فرهنگ محلی توجه خاص دارد (شماعی و پورا احمد، ۱۳۸۳، ۱۸۲، و ۸۳).

از دیگر نظریات مطرح در بهسازی، نظریه تجدد است. عمومی‌ترین معنای تجدد را باید در تغییرات و تحولات اجتماعی گسترده‌ای که جوامع در دوره جدید تجربه نموده‌اند، جست و جو کرد. تجدد گذر از شیوه سنتی به شیوه جدید است و به تعبیر هابرماس تجدد خود را در مخالفت با سنت فهم می‌کند و می‌کوشد برای خود دستاویزی در عقل بگوید (غفاری و ابراهیمی لویه، ۱۳۸۴). بنابراین، سکونتگاه‌های روستایی تحت عنوان یک نظام به هم پیوسته، متشکل از اجزا و عناصری مرتبط با یکدیگر که از کنش متقابل نیروها و عوامل محیطی شکل گرفته است، دارای ساختار و کارکردهای معینی می‌باشد که در گذر تحولات و رخداد‌های پیش آمده متأثر از نیروها و روندهای درونی و بیرونی حاکم بر عرصه‌های روستایی، دچار تغییرات و دگرگونی‌های اساسی در بافت و کالبد فضایی خود شده و برای آن‌که بتوانند به حیات و رشد خود ادامه دهند نیازمند همگامی و هماهنگ شدن با تحولات پیش آمده در دیگر عرصه‌های سکونت‌ی جامعه و به روز کردن شرایط زیست و محیط سکونت-گاهی خود با تکنولوژی، شرایط اجتماعی-اقتصادی و محیط تغییر یافته پیرامون خود می‌باشند (شمس‌الدینی، ۱۳۸۷: ۴۲). بدین سان، تطورپذیری و پویایی یکی از ویژگی‌های سکونت‌گاه‌های انسانی می‌باشد که در فضا و طی روندهای زمانی به مدد تبدلات تغییر شکل‌ها و نقل و انتقالات صورت می‌پذیرد و همواره خود را به صورت جابجایی جمعیت، انتشار و اشاعه فرهنگ، جریان کالا، انرژی، اطلاعات و سرمایه نشان می‌دهد (دلفوس، ۱۳۷۰: ۷۱).

رویکرد دیگر در بحث بهسازی مسکن مربوط به رویکرد سیاست‌گذاران است که مبنای این تحقیق نیز قرار گرفته است. این رویکرد بر درک و تعریف محیط روستایی بر پایه دو رویکرد کارشناس محور و مخاطب محور تمرکز می‌شود که به شرح زیر است:

الف- دیدگاه مخاطب محور: این رویکرد بر پایه سطوح متفاوت ادراک محیطی مخاطبان قرار دارد. از مخاطبان در خصوص عواملی که بر بهسازی اثر می‌گذارد، سوال می‌شود و متغیرهای موثر استخراج می‌شوند. در این دیدگاه گروه خاصی هدف نبوده؛ بلکه کلیت جامعه مهم است.

ب- دیدگاه کارشناس محور: در این دیدگاه نظرات کارشناسان (در اینجا ناظران فنی) مبنای تمامی بررسی‌ها و تصمیمات مربوطه قرار می‌گیرد.

در غالب این دو دیدگاه نوعی نگاه روان شناختی-ادراکی نیز صورت می‌گیرد که طی آن نحوه ارزیابی شخص از طرح بهسازی بر اساس ارتباط بین شخص و محیط توصیف می‌گردد. ویژگی‌هایی همچون سن، وضعیت اجتماعی-اقتصادی، آگاهی و تحصیلات و تاثیر آموزش بر بهسازی از آن جمله است (لحمیان، ۱۳۹۶: ۳۹۹).

کلانتری و همکاران (۱۳۸۱)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی مشکلات و موانع اجرایی طرح‌های بهسازی و کالبدی روستایی از نظر سرپرستان خانوارهای روستایی در شهرستان گرگان» بیان می‌کنند که ۷۶٪ از مشکلات اجرایی طرح‌های بهسازی در روستاهای مورد مطالعه به تخریب منازل، عدم مشارکت مردم، کمبود وام جهت پرداخت به واحدهای خسارت دیده، طولانی شدن زمان اجرای طرح، بی توجهی به نیاز روستاییان، نیمه تمام رها شدن کارها و مشکل مدیریت در اجرا مربوط می‌شود. لطیفی (۱۳۸۴)، در مقاله‌ای با عنوان «نگرشی بر مسکن روستایی ایران و بازسازی و مقاوم‌سازی آن» معتقد است که در بازسازی روستاها خصوصاً خانه‌های روستایی توجه زیادی به بافت و شکل معماری بومی نمی‌شود و آن را امری پیش پا افتاده می‌نگارند. تحقیق در تجربیات گذشته کشور، از جمله بازسازی روستاهای دشت قزوین پس از زلزله سال ۱۳۴۲ و یا بازسازی سکونت‌گاه‌های ناحیه طبس پس از زلزله سال ۱۳۵۷ و یا زلزله گلبافت کرمان و از همه مهمتر بازسازی‌های مناطق جنگ زده استان خوزستان از سال ۱۳۶۱ به بعد نشان داد که طراحی و ساخت در روستاها چندان ساده و پیش پا افتاده نیست. ولیزاده قره آغاجی (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی طرح‌های اجرا شده مسکن روستایی طرح ویژه بهسازی بر اساس احکام و ضوابط طرح گونه شناسی مسکن روستایی استان آذربایجان شرقی» معتقد است که بین معیارهای ارزیابی و طرح‌های اجرا شده مطابقت کافی وجود ندارند که این امر علاوه بر اشاره به لزوم بازنگری در این احکام به برخی نارسایی‌ها در دفاتر فنی از جمله عدم آموزش کافی برای تبدیل احکام و ضوابط به طرح‌های اجرایی و عدم آشنایی کامل و عدم رعایت دقیق ضوابط آیین نامه‌ها و ... نیز اشاره داشت.

در این زمینه محسن سرتیپی پور (۱۳۸۹) در مقاله‌ای با عنوان «ارزیابی و تحلیل مسکن روستایی استان سیستان و بلوچستان و پیشنهاد جهت گیری آتی» با اتکا به بررسی داده‌های طرح نمونه‌گیری ویژگی‌های مسکن روستایی سال ۸۲ ابتدا وضعیت مسکن روستایی استان را در ۴ زمینه شامل شرایط استحکام (امنیت)، برخورداری (آسایش)، اقتصادی معیشتی (کارکرد معیشتی و نقش اقتصادی) و زیست محیطی (هماهنگی با محیط و آسیب-های زیست ناشی از مسکن) مورد ارزیابی قرار داده و سپس به منظور سیاست‌گذاری در جهت رفع مشکلات و

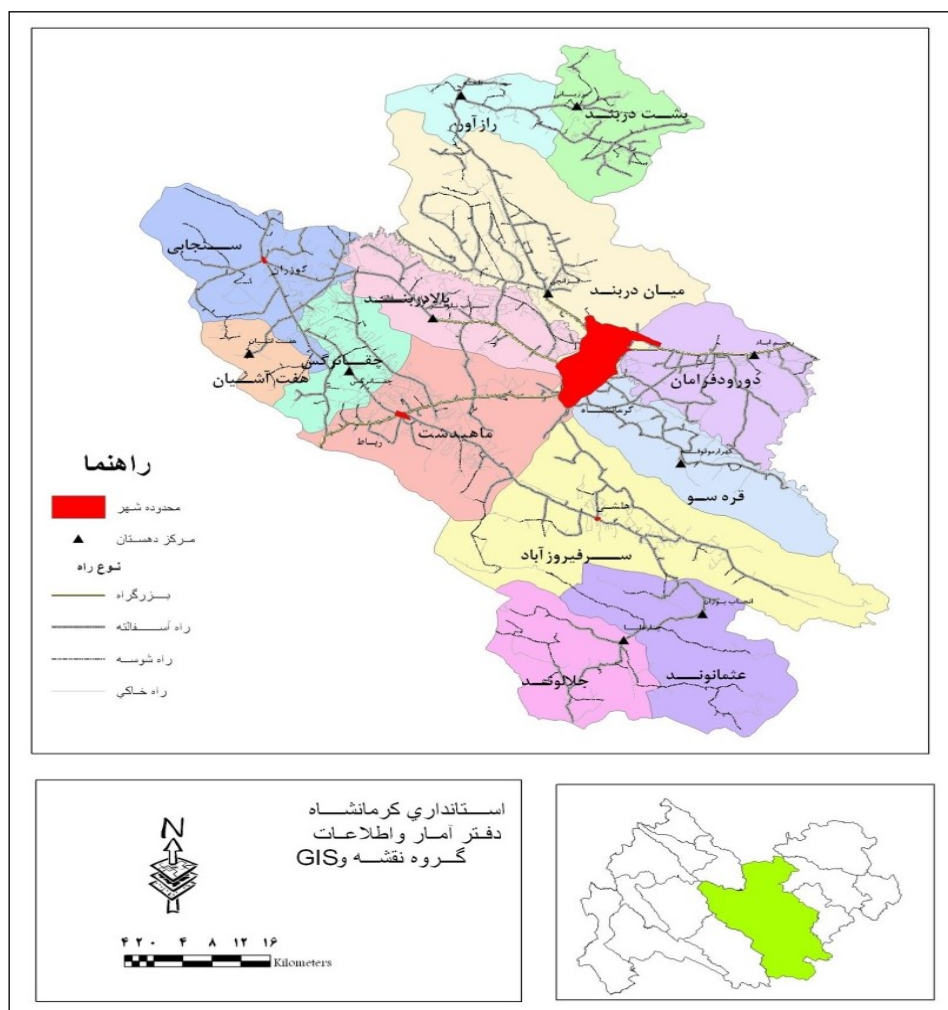
کاستی‌های موجود پیشنهادهای متناسب با شرایطی که استان از آن برخوردار است، ارائه می‌نماید. سید اسکندر صیدایی و همکاران (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فضایی وضعیت مسکن روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد» بیان می‌کند که متغیرها و پارامترهای گوناگونی در تعیین وضعیت توسعه مسکن هر منطقه دخالت دارند که مقایسه جداگانه هر متغیر، جایگاه آن را مشخص می‌کند. لذا در تحقیق فوق‌الذکر با بهره‌گیری از آمار سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵ استان کهگیلویه و بویراحمد، تعداد ۵۳ متغیر که به ۲۳ شاخص تقلیل یافته، مورد مطالعه قرار گرفته‌اند، سپس متغیرهای مورد مطالعه با روش تحلیل عامل کاهش یافته و به صورت ترکیبی در عوامل معنی‌دار ارائه گردیده‌اند. پس از آن درصد سهم هر عامل در وضعیت مسکن تعیین شد. سپس برای سطح‌بندی شهرستان‌ها و تعیین شهرستان‌های همگن، با استفاده از روش آماری تحلیل خوشه‌ای، طبقه‌بندی صورت گرفته و شهرستان‌ها در سه خوشه سطح‌بندی شده‌اند. نتیجه حاصل از تحلیل به کار رفته نشان می‌دهد که بخش مرکزی کهگیلویه در سطح دیگر و بخش‌های کبگیان، مرکز بهمئی، لنده، مرکزی دنا، سرفاریاب، چرام، باشت، لوداب، دیشموک، چاروسا، بهمئی گرمسیری و مارگون در سطح همگن بعدی قرار گرفته‌اند. گلپایگانی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «طرح مسکن روستایی و تاثیر آن بر شاخص‌های بهداشتی و ایمنی مسکن» در مجله مسکن و محیط روستا بیان می‌کند که مطالعه انجام شده بهبود نسبی در وضعیت شاخص‌های خانه‌های طرح مسکن روستایی را نسبت به خانه‌های سنتی نشان می‌دهد، هرچند هنوز با وضع مطلوب فاصله زیادی وجود دارد. در برنامه طرح مسکن روستایی باید به ویژگی‌هایی مثل تناسب افراد با فضا، دسترسی به آب بهداشتی داخل ساختمان و بهسازی محیط از نظر دفع زباله و فاضلاب اهمیت بیشتری داد. همچنین پیشنهاد می‌گردد در کنار احداث واحدهای مسکونی، ساخت حمام و توالت اختصاصی برای هر خانوار در دستور کار بنیاد مسکن قرار گیرد. بسحاق و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل و ارزیابی شاخص‌ها و عوامل پایداری مسکن روستایی (مطالعه موردی: مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان روانسر)» در مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی معتقد است که پنج عامل اقتصادی، رفاهی، استحکام بنا، همسازی با محیط زیست و بهره‌وری قادر هستند که بیش از ۷۷٪ از واریانس شاخص‌های تحقیق را تبیین کنند. همچنین، یافته‌ها بیانگر این هستند که مساکن روستایی بخش مرکزی شهرستان روانسر در عامل‌های اقتصادی، رفاهی و استحکام بنا، در شرایط تاحدی پایدار و در عامل‌های همسازی با محیط زیست و بهره‌وری، در شرایطی ناپایدار قرار دارند. مهدوی نژاد و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت آموزش «خانواده مبنا» جهت مقاوم سازی مسکن روستایی» که در مجله مسکن و محیط روستا به چاپ رسیده است، معتقد است که مقاوم‌سازی مسکن روستایی به عنوان یکی از محورهای اساسی در دستور کار بنیاد مسکن انقلاب اسلامی و سایر نهادها و دستگاه‌های مسئول قرار گرفته است و آموزش نقش بسیار مهمی در این مقاوم سازی دارد. که هر چند آموزش‌های خانواده مبنا در آغاز موفقیت چندانی را نشان نمی‌دهند، لیکن پس از گذشت زمان و به خصوص پایان دوره، موفقیت بالاتری را به همراه داشته‌اند. جمشیدی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل شاخص‌های مسکن روستایی استان ایلام و سطح‌بندی آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی و خوشه‌ای» که در مجله مسکن و محیط روستا به چاپ رسیده است، معتقد است که از میان متغیرهای مربوط به مسکن، ۲۲ شاخص استخراج و با استفاده از روش تحلیل عاملی به ۵ عامل تقلیل یافته‌اند، عوامل به دست آمده از تحلیل عاملی، جمعاً ۶۰/۹۷ درصد از واریانس را

در بر می‌گیرند. در بین ۵ عامل استخراج شده، عامل رفاهی به تنهایی ۲۵/۴۰ درصد واریانس را پوشش می‌دهد که تاثیرگذارترین عامل در مطالعه می‌باشد. به منظور سطح‌بندی نواحی همگن روستایی از روش تحلیل خوشه‌ای استفاده و نقاط روستایی استان به ۴ گروه همگن طبقه‌بندی شده‌اند که بر اساس آن مناطق روستایی شهرستان شیروان و چرداول در بالاترین سطح و مناطق روستایی شهرستان‌های دهلران، دره‌شهر و آبدانان در پایین‌ترین سطح از حیث برخورداری از شاخص‌های مسکن قرار دارند. شیروانیان و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «مقایسه ی رویکرد فقر درآمدی و رویکرد چندبعدی فقر مسکن در برنامه‌ی حمایت از مسکن روستایی در ایران» در مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی بیان می‌کند که عمق فقر مسکن روستایی به گونه‌ای است که خانوارهای روستایی به‌طور متوسط از دسترسی به حدود ۴۰٪ از نماگرهای مسکن مناسب محروم می‌باشند و فقر درآمدی آن‌ها دارای میانگین شکاف ۱/۸۴۴ درصدی است. در ادامه نتایج نشان می‌دهند که استفاده از رویکرد فقر درآمدی برای تعیین گروه‌های هدف در برنامه‌ی حمایت از مسکن روستاییان، ۴۲/۹۵٪ از خانوارهای روستایی دچار فقر مسکن را از این برنامه‌ی حمایتی مستثنی می‌نماید. بر این اساس، تغییر رویکرد در برنامه‌ی حمایت از مسکن روستایی و استفاده از رویکرد چند بعدی فقر مسکن توصیه می‌گردد. سعیدی و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «مسکن و پیوستگی ساختاری-کارکردی: بحثی در نظام وارگی فضای روستایی مورد: روستاهای بخش راز و جر کلان شهرستان بجنورد (خراسان شمالی)» معتقد است که پوشش ساختاری-کارکردی حاکم (مجموعه عناصر و عوامل دخیل در عرصه‌های محیطی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی) به نحوی نظام‌وار تمام روابط و مناسبات درونی سکونت‌گاه‌های روستایی، از جمله مسکن را نظم‌دهی و مشخص می‌نماید و بدین‌سان، خانه‌های ترکمنان ساکن در این ناحیه برپا شده، شکل پذیرفته‌اند. یعقوبی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مؤلفه‌های پیش برنده در اجرای موفقیت آمیز طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی: مورد: شهرستان خداآبده» در مجله جغرافیا و توسعه می‌گویند که نتایج حاصل از تحلیل عاملی نشان داده است که چهار مؤلفه با تبیین ۶۳/۴۸ درصد واریانس کل، با عوامل پیش برنده در اجرای طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی مرتبط می‌باشند. مؤلفه‌های فنی-تکنیکی (۲۰/۸۲)، خدماتی-اعتباری (۱۸/۷۴)، اجتماعی- فرهنگی (۱۲/۳۵) و تشکیلاتی- اداری (۱۱/۵۶) به ترتیب اهمیت بیشتری نقش را در مجموع تبیین نموده‌اند. موحد و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «بررسی نقش اقلیم و محیط در شکل‌دهی فرم سازه مسکن روستایی استان فارس» در مجله مسکن و محیط روستا معتقد است که واحدهای مسکونی روستایی در گونه‌های قدیمی روستاهای نمونه از پهنه‌های مختلف استان فارس، ضمن برخورداری از تعدادی مشابهت‌های ساختاری، دارای هویت خاصی متناسب با خصوصیات اقلیمی و محیطی روستا می‌باشند. این هویت، منتج از تاثیر عوامل و الگوهای معمارانه‌ای است که در این تحقیق به عنوان عوامل تاثیرگذار در شکل‌گیری مسکن روستایی مطالعه و معرفی شده‌اند. این پژوهش، با توجه به ارائه چارچوبی جهت شناخت تاثیر اقلیم و محیط بر معماری مسکن روستایی، نقش مهمی در تدوین شاخص‌های مسکن روستایی استان فارس داشته است.

## روش تحقیق

## منطقه مورد مطالعه

شهرستان کرمانشاه با وسعت تقریبی ۸۵۴۷ کیلومتر مربع به عنوان شهرستان مرکز استان دارای اهمیت استراتژیک می‌باشد به صورتی که بعد مسافت از این شهر تا مرز خسروی (کشور عراق) تا مرکز استان کردستان، تا مرکز استان همدان و تا مرکز استان لرستان (از طریق شهرستان هرسین و نورآباد) با اندکی تفاوت تقریباً به یک اندازه است. این شهرستان دارای چهار بخش، سیزده دهستان و ۸۱۵ روستا و جمعیتی بالغ بر ۹۷۰۳۶۲ نفر است شکل (۱). شهر کرمانشاه در ۳۴ درجه و ۱۹ دقیقه عرض شمالی و ۴۷ درجه و ۷ دقیقه طول شمالی نسبت به نصف النهار گرینویچ قرار گرفته است. این شهر به لحاظ قرار گرفتن در جلگه وسیع و حاصل خیز ماهی دشت و در کنار رود قره‌سو در موقعیت جغرافیایی خاصی قرار گرفته که زمین‌های کشاورزی پر بارده آن بر اهمیت فوق العاده آن می‌افزاید (حوزه هنری استان کرمانشاه، ۱۳۹۳).



شکل (۱). منطقه مورد مطالعه



## داده و روش کار

روش تحقیق کمی-غیرآزمایشی پیمایشی است. جامعه آماری مشتمل بر ۵۰ نفر از پاسخگویان است که از مجموع ۶۶ ناظر فنی انتخاب شده است. جامعه آماری شامل ناظران فنی شهرستان کرمانشاه بوده است که از سال ۱۳۸۴ تاکنون در طرح بهسازی مسکن روستایی فعال بوده‌اند. روش نمونه‌گیری سرشماری بوده است. ۱۶ نفری که در تحقیق نبوده‌اند افرادی بوده‌اند که مجوز ناظر فنی را از بنیاد مسکن انقلاب اسلامی کرمانشاه گرفته بودند اما بنابر دلایل مختلف، کاری در روستا نگرفته‌اند (مثل اشتغال به کارهای دیگر یا قبولی در مقطع تحصیلی بالاتر و ...). به عبارتی تمامی افرادی که به روستا برای نظارت فنی رفته‌اند، جزو تحقیق قرار گرفته‌اند. روایی تحقیق با استفاده از مسئولان بنیاد مسکن انقلاب اسلامی کرمانشاه و برخی اعضای هیات علمی به صورت کیفی و در قالب کمی از طریق ضریب K.M.O و آزمون بارتلت مورد تایید قرار گرفت (میزان K.M.O برابر با ۰/۷۴ و میزان معنی داری آزمون بارتلت برابر با ۰/۰ بوده است). پایایی تحقیق نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ مورد تایید قرار گرفت (برابر با ۰/۸۲). در این تحقیق متغیرهای مختلفی بکار رفت که به شرح جدول (۱) هستند:

جدول (۱). متغیرهای تحقیق

ابعاد	متغیرها	ابعاد	متغیرها
آگاهی	آگاهی از ضوابط موجود در قانون	نظارت	مدیریت روستایی (دهیار و شورای اسلامی روستا)
	دوره‌های آموزشی برگزار شده		همکاری ناظران فنی
	سطح پایین تحصیلات مردم		سازمان‌ها و نهادهای موجود در روستا (اعم از بسیج و ادارات مختلف)
کیفیت فیزیکی مساکن	کیفیت مصالح	عامل فرهنگی	نظارت بنیاد مسکن بر بهسازی مساکن
	استانداردسازی واحدهای مسکونی		همکاری ناظران عالی فنی شهرستان
انگیزش	تمایل مردم به بهسازی مسکن روستایی	عامل فرهنگی	رابطه بین ناظران فنی و ناظران عالی فنی شهرستان
	میزان خوشبینی مردم روستایی به ناظران فنی		تمایل مردم به بی قانونی
	زمان		همکاری ناظران فنی با مردم
	میزان آسیب‌پذیری روستاییان نسبت به مخاطرات طبیعی		بافت فرهنگی و سنتی منطقه
	وضعیت زندگی مردم روستایی در خانه‌های جدید		تنوع فرهنگی مناطق مسکونی
			نمای واحدهای مسکونی

## نتایج

جامعه مورد مطالعه شامل ۴۴ نفر مرد (۸۶/۳۷٪) و ۶ نفر زن (۱۳/۶۳٪) هستند. متوسط سنی حدود سن ۱۳۵۸ سال است، کمترین سن ۱۳۳۸ و بیشترین سن ۱۳۶۵ است. تخصص ناظران فنی در حوزه عمران و معماری بوده است. یافته‌های توصیفی تحقیق به شرح زیر هستند:

در جدول (۲) دیدگاه پاسخگویان درباره مسائل پیش رو بهسازی مسکن روستایی مطرح شده است. نتایج نشان می‌دهند که آگاهی مردم روستایی نسبت به ضوابط موجود در قانون کم بوده است. در این رابطه ناظران فنی

معتقد بودند که بهتر است که بخش‌ها ترویجی نسبت به افزایش آگاهی مردم اقدامات مناسبی به عمل آورد. هر چند که بنا بر نظر ناظران فنی آگاهی مردم به مرور بیشتر شده است. از دیگر نکات مهم مطرحی این مساله بود که در برخی مواقع مردم روستایی احساس می‌کردند که ناظران فنی تنها برای ایراد گرفتن به روستا می‌آیند و در برخی مواقع تلاش می‌کردند که تا حد امکان بر سر ناظران کلاه بگذارند. یکی از ناظران می‌گفت: «متأسفانه مردم متوجه نیستند که برخی از سخت‌گیری ما برای ساخت خانه به خاطر امنیت خود آن‌ها در برابر حوادث غیر مترقبه است». با این همه مردم تمایل زیادی به بهسازی مسکن از خود نشان می‌دهند. هر چند که بازپرداخت وام برای آن‌ها قدری مشکل است. از دیگر مشکلات موجود مساله بوروکراسی اداری است که ناظران فنی معتقد بودند که زمان بیشتری از حد نرمال می‌برد.

از دیگر سوالات مطرح شده کیفیت مصالح بود. با توجه به اینکه ناظران معتقد بودند که مردم بیشتر مصالح خود را از شهر می‌گیرند، لذا کیفیت آن تا حدودی مناسب است. هر چند که برخی ناظران معتقد بودند که کیفیت مصالح شهر نیز چندان ایده آل نیست.

در بحث نظارت و همکاری سازمان‌ها و نهادها به ویژه بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان و شهرستان این اعتقاد وجود دارد که نظارت‌ها زیاد و خوب هستند. حتی یکی از ناظران که در شهر نیز ناظر فنی است، می‌گوید: «به نظر من کیفیت نظارت در روستا که توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی صورت می‌گیرد، از شهر نیز بهتر است». نکته دیگر مساله تطابق فرهنگی نماها و بناهای ساخته شده با وضعیت فرهنگی منطقه و روستا است که ناظران معتقد بودند که تطابق فرهنگی کمی وجود دارد. با این همه بر اساس نظر ناظران فنی یکی از عللی که مردم تمایل به بهسازی مسکن خود در روستا دارند، تغییر نمای ساختمان و شبیه کردن آن به شهر است. به باور ناظران فنی اگر بخواهیم جلوی ساخت نماهای شبه شهری را بگیریم، ممکن است که تمایل مردم به بهسازی مسکن روستایی کاهش یابد. همچنین یکی دیگر از ناظران معتقد بود که «در روستاهای نزدیک شهر مردم اصولاً اعتقاد چندانی به اینکه روستایی هستند ندارند و لذا نماهای شهری را انتخاب می‌کنند».

تقریباً همه پاسخگویان از دوره‌های آموزشی برگزار شده توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی رضایت بالایی داشتند، به ویژه که در بیشتر موارد دوره‌ها عملی بوده است.

همکاری سازمان‌ها و نهادهای مسئول در حد متوسط ارزیابی شده است. معمولاً ناظران فنی ارتباط چندانی با دهیاری نداشتند و در برخی مواقع مواردی از ایجاد مشکل و مانع و یا عدم همکاری با ناظران فنی وجود نداشته است که این امر نیازمند آموزش دهیاران است.

جدول (۲). نگرش پاسخگویان نسبت به مشکلات پیش روی مسکن روستایی

نگرش	میانگین	درصد پاسخ به هر گویه					گویه ها	
		بدون پاسخ	خیلی کم	کم	تاحدودی	زیاد		
کم	۳/۳۷	۴/۴	۲۴/۴	۲۶/۷	۱۵/۶	۱۸/۷	۱۱/۱	۱-چقدر مردم نسبت به ضوابط موجود در قانون بهسازی مسکن خود آگاهی دارند؟
زیاد	۲/۶۱	۹۳/۳	۸/۹	۲۲/۲	۸/۹	۳۱/۱	۲۲/۲	۲-چقدر مردم تلاش می کنند تا با دور زدن قانون هزینه کمتری برای بهسازی مسکن خود خرج نمایند؟
زیاد	۲/۰۶	۴/۴	۴/۴	۲/۲	۱۳/۳	۵۱/۱	۲۴/۴	۳-میزان تمایل مردم به بهسازی مسکن روستایی چقدر است؟
زیاد	۲/۰۲	۴/۴	۲/۲	۱۳/۳	۱۱/۱	۲۶/۷	۴۲/۲	۴-بهسازی مسکن روستایی چه میزان زمان می برد؟
زیاد	۲/۰۲	۶/۷	۲/۲	۲/۲	۱۷/۸	۴۴/۴	۲۶/۷	۵-چقدر نظارت بنیاد مسکن بر بهسازی مسکن صورت گرفته کافی است؟
تاحدودی	۳/۰۲	۱۱/۱	۸/۹	۲۰	۳۱/۱	۲۲/۲	۶/۷	۶-کیفیت مصالح موجود جهت بهسازی مسکن روستایی تا چه حد مناسب است؟
زیاد	۲/۵۷	۶/۷	۶/۷	۲۰	۱۳/۳	۳۳/۳	۲۰	۷-همکاری ناظران فنی با مردم چقدر چالش برانگیز است؟
زیاد	۲/۲۶	۸/۹	۶/۷	۱۳/۳	۱۳/۳	۲۲/۲	۳۵/۶	۸-سطح پایین تحصیلات مردم تا چه حد بر هماهنگی بین ناظر فنی و مردم تاثیر می گذارد؟
زیاد	۲/۹۰	۱۱/۱	۸/۹	۱۳/۳	۳۵/۶	۲۲/۲	۸/۹	۹-میزان خوشبینی مردم روستایی به ناظران فنی چقدر است؟
کم	۳/۸۵	۸/۹	۱۷/۸	۵۵/۶	۶/۷	۸/۹	۲/۲	۱۰-تا چه حد در نقشه های مصوب مسکن، تنوع فرهنگی مناطق رعایت شده است؟
زیاد	۲/۵۴	۸/۹	۲/۲	۲/۲	۲۲/۲	۴۰	۲۴/۴	۱۱-طرح بهسازی تا چه حد موجب استانداردسازی واحدهای مسکونی شده است؟
زیاد	۱/۵۱	۸/۹	۰	۰	۲/۲	۴۲/۲	۴۶/۷	۱۲-بهسازی مسکن تا چه میزان آسیب پذیری روستاییان نسبت به مخاطرات طبیعی را کاهش می دهد
زیاد	۱/۶۰	۸/۹	۲/۲	۲/۲	۶/۷	۲۶/۷	۵۳/۳	۱۳-وضعیت زندگی مردم روستایی در خانه های جدید چقدر نسبت به گذشته بهتر شده است؟
تاحدودی	۳/۱۴	۸/۹	۱۷/۸	۲/۲	۵۱/۱	۱۵/۶	۴/۴	۱۴-مدیریت روستایی(دهیار و شورای اسلامی روستا) تا چه میزان همکاری لازم را با ناظران فنی به عمل می آورند؟
تاحدودی	۳/۰۲	۸/۹	۱۷/۸	۲/۲	۴۴/۴	۱۷/۸	۸/۹	۱۵-سازمان ها و نهادهای موجود در روستا(اعم از بسیج و ادارات مختلف)با ناظران فنی تا چه حدی همکاری می کنند؟
زیاد	۱/۵۲	۴/۴	۰	۰	۰	۲۶/۷	۵۳/۳	۱۶-دوره های آموزشی برگزار شده تا چه حد برای ناظران فنی مناسب بوده است؟
زیاد	۴/۰۹	۸/۹	۳۱/۱	۵۱/۱	۲/۲	۰	۶/۷	۱۷-بافت فرهنگی و سنتی منطقه تا چه حد در تحقق بهسازی مسکن روستایی تاثیر گذارده است؟

زیاد	۲/۴۰	۱۷/۸	۱۳/۳	۱۵/۶	۴/۴	۶/۷	۴۲/۲	۱۸-ناظران عالی فنی شهرستان تا چه میزان با ناظران فنی همکاری دارند؟
زیاد	۲/۳۵	۱۱/۱	۸/۹	۲۲/۲	۴/۴	۸/۹	۴۴/۴	۱۹-رابطه بین ناظران فنی و ناظران عالی فنی شهرستان تا چه حد مناسب است؟
کم	۳/۳۰	۱۳/۳	۱۱/۱	۴۸/۹	۲/۲	۴/۴	۲۰	۲۰-نمای واحدهای مسکونی تا چه حدی با ویژگی های فرهنگی و طبیعی منطقه سازگار است؟
زیاد	۲/۳۴	۸/۹	۱۱/۱	۲۰	۴/۴	۸/۹	۴۶/۷	۲۱-تا چه حد همکاری ناظران فنی با ناظران فنی استان مناسب است؟

خیلی زیاد ۱.....۳ تا حدودی.....۵ خیلی کم

در این بخش دو فرضیه مورد آزمون قرار گرفت:

۱- رابطه معنا داری بین فاصله از شهر و کیفیت مصالح (از دید ناظران فنی) وجود دارد.

برای بررسی این فرضیه از ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد. نتایج نشان می دهد که در سطح  $0/05$  رابطه معنی دار وجود دارد جدول (۳). به عبارتی با فاصله گرفتن از شهر کرمانشاه (مرکز استان) کیفیت مصالح ضعیف تر می شود. از جمله دلایلی که ناظران فنی ذکر می کردند، این بود که هزینه انتقال مصالح با افزایش فاصله بیشتر می شود. لذا دور شدن از شهر سبب می شود که به خاطر بالا رفتن قیمت، فرد روستایی ترجیح دهد از مصالح با کیفیت کمتر و ارزان تر استفاده کند تا بتواند با هزینه کمتری ساختمان را بهسازی کند. البته در روستاهای دورتر از شهر نظارت نیز ضعیف تر است و ناظران راحت تر با روستاییان بر سر مصالح و استانداردها مصالحه می کنند. همچنین روستاهای دورتر معمولاً از سطح درآمدی پایین تری برخوردار هستند و لذا امکان این که بتوانند مصالح بهتری استفاده کنند کمتر است. به ویژه که میزان وام برای تمامی نقاط یکسان بوده و لذا تفاوت درآمدی تاثیر قابل توجهی بر کیفیت مسکن می گذارد.

#### جدول (۳). رابطه بین کیفیت مصالح و فاصله از شهر

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
کیفیت مصالح	فاصله از شهر	$0/37$	$0/016^*$

\* در سطح  $0/05$  معنی دار است

۲- با گذشت زمان آگاهی مردم از پروژه بهسازی مسکن روستایی بیشتر شده است.

برای اینکار از آزمون همبستگی اسپیرمن استفاده شد. به عبارتی بین سال شروع به کار ناظر فنی و نظر او درباره میزان آگاهی مردم همبستگی گرفته شد. در جدول (۴) نشان داده شده است که رابطه معنی دار و معکوسی در سطح  $0/05$  بین سالی آغاز به کار ناظر فنی و میزان نگاه او به آگاهی مردم وجود دارد. یعنی با گذشت زمان آگاهی مردم بیشتر شده است. در ابتدای کار کمبود آگاهی مانعی جدی بر سر راه اجرای طرح بهسازی محسوب می شده است. به مرور زمان با انجام موفقیت آمیز طرح بهسازی و همچنین نقش رسانه ها در آگاهی بخشی به مردم بومی در کنار رخدادهایی همچون زلزله اخیر کرمانشاه حسایت و آگاهی مردم نسبت به پروژه بیشتر شده است. با این همه براساس نظری که از ناظران فنی دریافت گردید، احتیاج و آفری به بحث آموزش وجود دارد.

آموزش می‌تواند فرایند آگاهی بخشی را افزایش دهد و مشکلات و سوالات اجتماعی در ذهن مردم را برطرف نماید. همچنین فضای تعاملی مناسبی بین مسئولان، ناظران فنی و کارشناسان ایجاد می‌کند.

جدول (۴). تاثیر گذشت زمان بر آگاهی مردم از پروژه

متغیر وابسته	متغیر مستقل	ضریب همبستگی	سطح معنی داری
میزان آگاهی مردم از پروژه از دید ناظر فنی	سال آغاز به کار ناظر فنی	-۰/۴۲	۰/۰۲۳*

\* در سطح ۰/۰۵ معنی دار است

در ادامه از روش تحلیل عاملی استفاده می‌شود. تحلیل عاملی نامی عمومی است برای برخی روش‌های آماری چند متغیره که هدف اصلی آن خلاصه کردن داده‌ها می‌باشد. این روش به بررسی همبستگی درونی تعداد زیادی از متغیرها می‌پردازد و در نهایت آن‌ها را در قالب عامل‌های کلی محدودی دسته‌بندی و تبیین می‌کند. تحلیل عاملی روشی هم‌وابسته بوده که در آن کلیه متغیرها به طور همزمان مد نظر قرار می‌گیرند. روش بکار گرفته شده مؤلفه‌های اصلی و نوع چرخش عامل‌ها، واریماکس است. مدل تحلیل مؤلفه‌های اصلی هنگامی مورد استفاده قرار می‌گیرد که هدف تلخیص متغیرها و دستیابی به تعداد محدودی متغیر برای اهداف پیش بینی باشد. یکی از موارد مهم در تحلیل عاملی تعیین تعداد عامل‌های قابل استخراج است. به طور معمول به تعداد متغیرهایی که در تحلیل وارد می‌شوند می‌توان عامل استخراج کرد، اما آخرین عامل‌ها معمولاً سهم بسیار کمی در تبیین موضوع دارند. بر اساس جدول (۵) مشخص می‌شود که ۵ مؤلفه استخراج شده‌اند. یعنی در مجموع ۵ مؤلفه نقشی اساسی در تبیین موضوع دارند.

جدول (۵). مؤلفه‌های استخراج شده در بهسازی مسکن روستایی

مؤلفه ۵	مؤلفه ۴	مؤلفه ۳	مؤلفه ۲	مؤلفه ۱	گویه‌ها
				۰/۶۹	۱-چقدر مردم نسبت به ضوابط موجود در قانون بهسازی مسکن خود آگاهی دارند؟
	۰/۸۴				۲-چقدر مردم تلاش می‌کنند تا با دور زدن قانون هزینه کمتری برای بهسازی مسکن خود خرج نمایند؟
				۰/۵۸	۳-میزان تمایل مردم به بهسازی مسکن روستایی چقدر است؟
۰/۶۹					۴-بهسازی مسکن روستایی چه میزان زمان می‌برد؟
	۰/۳۷				۵-چقدر نظارت بنیاد مسکن بر بهسازی مسکن صورت گرفته کافی است؟
	۰/۶۸				۶-کیفیت مصالح موجود جهت بهسازی مسکن روستایی تا چه حد مناسب است؟
	-۰/۷۱				۷-همکاری ناظران فنی با مردم چقدر چالش برانگیز است؟
			۰/۶۷		۸-سطح پایین تحصیلات مردم تا چه حد بر هماهنگی بین ناظر فنی و مردم تاثیر می‌گذارد؟
			۰/۵۱		۹-میزان خوشبینی مردم روستایی به ناظران فنی چقدر است؟
				۰/۵۹	۱۰-تا چه حد در نقشه‌های مصوب مسکن، تنوع فرهنگی مناطق رعایت شده است؟
			-۰/۶۹		۱۱-طرح بهسازی تا چه حد موجب استانداردسازی واحدهای مسکونی شده است؟
		۰/۸۳			۱۲-بهسازی مسکن تا چه میزان آسیب‌پذیری روستاییان نسبت به مخاطرات طبیعی را کاهش می‌دهد

		۰/۹۲		۱۳- وضعیت زندگی مردم روستایی در خانه‌های جدید چقدر نسبت به گذشته بهتر شده است؟
۰/۷۵				۱۴- مدیریت روستایی (دهیار و شورای اسلامی روستا) تا چه میزان همکاری لازم را با ناظران فنی به عمل می‌آورند؟
		۰/۵۹		۱۵- سازمان‌ها و نهادهای موجود در روستا (اعم از بسیج و ادارات مختلف) با ناظران فنی تا چه حدی همکاری می‌کنند؟
			۰/۴۴	۱۶- دوره‌های آموزشی برگزار شده تا چه حد برای ناظران فنی مناسب بوده است؟
	۰/۷۷			۱۷- بافت فرهنگی و سنتی منطقه تا چه حد در تحقق بهسازی مسکن روستایی تاثیر گذاشته است؟
			۰/۸۱	۱۸- ناظران عالی فنی شهرستان تا چه میزان با ناظران فنی همکاری دارند؟
			۰/۹۲	۱۹- رابطه بین ناظران فنی و ناظران عالی فنی شهرستان تا چه حد مناسب است؟
		۰/۶۳		۲۰- نمای واحدهای مسکونی تا چه حدی با ویژگی‌های فرهنگی و طبیعی منطقه سازگار است؟
			۰/۹۱	۲۱- تا چه حد همکاری ناظران فنی با ناظران فنی استان مناسب است؟

در جدول (۶) مؤلفه‌های موثر بر بهسازی مسکن روستایی مشخص شده است. بیشترین تاثیر را جنبه‌های فردی مردم و ناظران تشکیل می‌دهد. به عبارتی در امر بهسازی مسکن روستایی برای موفقیت در طرح باید تلاش کرد تا دو رکن تاثیرگذار در بهسازی را تقویت کرد. هر دو گروه نیاز به آموزش دارند، مردم روستایی برای اینکه تمایل به بهسازی داشته باشند و بخواهند تا بر مشکلات احتمالی فائل بیابند و هم ناظران که چه از نظر تکنیکی و چه از نظر ارتباطی با مردم هماهگ باشند. به عبارتی اعتماد دو طرف به همدیگر و شناخت ویژگی‌های پروژه راز موفقیت بهسازی مسکن روستایی است.

مؤلفه دوم انگیزه و تمایل مردم است. این تمایل ممکن است که خاطر عوامل مختلفی کم باشد. نتایج نشان می‌دهند که ظاهر و نمای ساختمان برای مردم مهم است، نظارت سازمان‌ها هم می‌تواند منجر به ساخت مسکنی مناسب با ویژگی‌های استاندارد و زیبا شود تا روستاییان دیگر هم تمایل به بهسازی بیابند. به عبارتی بهترین تشویق برای روستاییان ساخت مسکن مناسب و مقاوم است تا دیگران را به کار تشویق کند.

میزان بهبود وضعیت مردم سومین مؤلفه است. با توجه به اینکه مردم روستایی به یکدیگر نگاه کرده و از نتایج یکدیگر درس می‌گیرند بسیار مهم است که مردم روستایی به این نتیجه برسند که در مسکن جدید خود وضعیت مناسب‌تری دارند. در حقیقت هدف اصلی این کار هم بهبود وضعیت مردم است.

مؤلفه چهارم چالش‌های قانونی و نظارتی است. چالش همکاری مردم و ناظران و مشکلات فرهنگی پیش روی بهسازی مسکن در کنار مشکلاتی همچون فرار از قانون و ... همواره جزو مشکلاتی است که پیش روی ناظران قرار دارد و منجر به چالش‌های مختلف بین ناظران و مردم می‌شود. در این مؤلفه هر چه تلاش شود تا این چالش‌ها کمتر شوند، میزان موفقیت بیشتر می‌شود.

مؤلفه آخر و پنجم بحث زمان است. به واسطه دوری روستا از شهر به جهت تامین مصالح و بروکراسی پیچیده و نظارت قوی، اجرای پروژه بهسازی مسکن روستایی معمولاً با تاخیر زیاد همراه است که سبب می‌شود تا مردم را نسبت به اجرای کار دل‌سرد کند که باید برای این مشکل فکری نمود.

جدول (۶). نام مؤلفه‌های استخراج شده در تحلیل عاملی

نام مؤلفه	درصد واریانس	درصد تجمعی
جنبه‌های فردی مردم و ناظران	۲۵/۹۰۸	۲۵/۹۰۸
تمایل و انگیزه مردم به بهسازی	۱۳/۵۶۲	۳۹/۴۷۰
میزان بهبود وضعیت مردم	۱۰/۸۵۲	۵۰/۳۲۳
چالش‌های قانونی و نظارتی	۷/۹۰۲	۵۸/۲۲۵
زمان اجرای پروژه	۷/۶۵۰	۶۵/۸۷۴

این تحقیق نشان داد که کمبود وام، مشکلات اعتباری و درآمدی و طولانی شدن بهسازی مسکن از جمله علل عدم تمایل مردم روستایی به بازسازی مسکن خود است. این یافته‌ها با تحقیقات کلانتری و همکاران (۱۳۸۱)، در گرگان مشابهت دارد. کلانتری معتقد است که در کنار این موضوع، بی‌توجهی به نیاز روستاییان و مشکل مدیریت در اجرا نیز مطرح می‌باشد. نتایج این مقاله نیز نشان می‌دهند که در بازسازی نیاز مردم بر اساس مترای، جمعیت و تعداد خواب و غیره در نظر گرفته نشده و افراد بر اساس وام و منابع مالی که دارند اقدام به بازسازی می‌کنند که سبب می‌شود بعضاً رضایت چندانی از خانه‌های بازسازی شده نداشته باشند.

این تحقیق نشان داد که در روستاها توجهی به بافت روستایی نشده و خانه‌ها تنها بر اساس سه نقشه از پیش تعیین شده بنیاد مسکن بهسازی می‌شوند. این یافته‌ها با نتایج تحقیق احمد رضا لطیفی (۱۳۸۴)، همخوانی دارد. به عبارتی در بازسازی روستاها خصوصاً خانه‌های روستایی توجه زیادی به بافت و شکل معماری بومی نمی‌شود و آن را امری پیش پا افتاده می‌نگارند. لذا خانه‌ها شبیه به هم بوده و ساختاری شهری دارد تا روستایی و ویژگی‌های بومی منطقه در آن لحاظ نشده است. این امر سبب می‌شود تا به تدریج شکل بومی خانه‌های روستایی در استان کرمانشاه کلاً تغییر کند.

این تحقیق نشان داد که در برخی مناطق روستایی کرمانشاه طرح‌های اجرا شدن مسکن روستایی با طرح‌های اولیه که به بنیاد مسکن ارائه شد همخوانی ندارد و یکی از چالش‌های ناظران با مردم روستایی دستکاری در طرح اولیه خانه‌ها است که سبب می‌شود استانداردهای ساخت و ساز بر هم بخورد و از اهداف بازسازی دور شوند. این مساله در نتایج تحقیق محمدرضا ولی‌زاده قره‌آغاجی (۱۳۸۸)، نیز مشاهده شد. وی معتقد است که بین معیارهای ارزیابی و طرح‌های اجرا شده در آذربایجان شرقی مطابقت کافی وجود ندارند که این امر علاوه بر اشاره به لزوم بازنگری در این احکام به برخی نارسایی‌ها در دفاتر فنی از جمله عدم آموزش کافی برای تبدیل احکام و ضوابط به طرح‌های اجرایی و عدم آشنایی کامل و عدم رعایت دقیق ضوابط آیین‌نامه‌ها است. در مشاهدات میدانی این تحقیق مشخص شده است که بسیاری از ناظران فنی تجربه کمی دارند؛ چون ناظران باتجربه فعالیت‌های شهری را ترجیح می‌دهند و این مساله سبب شده تا عدم آگاهی نسبت به برخی از قوانین، فرایند نظارت بر ساختمان‌های روستایی را کاهش دهد. همچنین این ناظران معمولاً جوان هستند و این جوان بودن سبب می‌شود تا در مقابل روستاییانی که مسن هستند چندان قدرت اعمال نظر و برخورد را نداشته باشند که این نیز خود از مشکلات طرح‌های بهسازی است.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که در مجموع ساختمان‌های جدید از استاندارد مناسب‌تری نسبت به خانه‌های بومی برخوردار هستند، به ویژه که در یکی دو سال اخیر زلزله‌های کرمانشاه نگرانی مردم را بیشتر کرده است. عبدالعلی گلپایگانی و همکاران (۱۳۹۲)، نیز به نتایج مشابهی رسیده‌اند. مطالعه انجام شده بهبود نسبی در وضعیت شاخص‌های خانه‌های طرح مسکن روستایی را نسبت به خانه‌های سنتی نشان می‌دهد، هرچند هنوز با وضع مطلوب فاصله زیادی وجود دارد. در برنامه طرح مسکن روستایی باید به ویژگی‌هایی مثل تناسب افراد با فضا، دسترسی به آب بهداشتی داخل ساختمان و بهسازی محیط از نظر دفع زباله و فاضلاب اهمیت بیشتری داد. البته گلپایگانی در مقاله خود پیشنهاد می‌کند در کنار احداث واحدهای مسکونی، ساخت حمام و توالی اختصاصی برای هر خانوار در دستور کار بنیاد مسکن قرار گیرد. در این تحقیق در منطقه کرمانشاه مشکل تناسب افراد با فضا دیده شده است، به ویژه که تعداد بچه‌های خانواده‌های روستایی در استان کرمانشاه نیز زیاد است، منتها مشکل حمام و دستشویی اختصاصی وجود ندارد و خانه‌ها همگی این امکانات را دارا هستند که از این نظر با مقاله گلپایگانی متفاوت است.

در این تحقیق مساله آگاهی و آموزش مؤلفه مهمی محسوب شده و این نتیجه حاصل شده که آگاهی مردم روستایی درباره بهسازی کم است و نیاز به آموزش وجود دارد. حتی برخی از اختلافات بین ناظران و روستاییان نیز به آگاهی پایین مردم روستایی بر می‌گردد. مهدوی‌نژاد و همکاران (۱۳۹۲) نیز معتقد هستند که آموزش نقش بسیار مهمی در این مقاوم سازی مسکن روستایی دارد. که هر چند آموزش‌های خانواده مینا در آغاز موفقیت چندانی را نشان نمی‌دهند، لیکن پس از گذشت زمان و به خصوص پایان دوره، موفقیت بالاتری را به همراه داشته‌اند. این مساله در این تحقیق هم مشخص شده است. به عبارتی با گذشت زمان میزان آگاهی مردم بالاتر رفته است و تعامل مناسب‌تری بین ناظران و مردم صورت گرفته است. البته این افزایش آگاهی به مرور صورت گرفته و متأسفانه در منطقه دوره‌های آموزشی برگزار نشده است.

در این تحقیق جنبه‌های فردی مردم و ناظران، تمایل و انگیزه مردم به بهسازی، میزان بهبود وضعیت مردم، چالش‌های قانونی و نظارتی و زمان اجرای پروژه از مؤلفه‌های تاثیرگذار بر بهسازی مسکن روستایی به حساب می‌آیند. در تحقیق جعفر یعقوبی و همکاران (۱۳۹۲) مؤلفه‌های فنی-تکنیکی، خدماتی-اعتباری، اجتماعی-فرهنگی و تشکیلاتی-اداری به ترتیب اهمیت بیشترین نقش بوده‌اند. در تحقیق ما جنبه‌های تکنیکی و فنی به عنوان مؤلفه اثرگذار از تحقیق استخراج نشده است. در تحقیق یعقوبی و همکاران نیز مؤلفه‌های زمانی استخراج نشده است. ولی مؤلفه‌های اجتماعی، قانونی و مدیریت در هر دو تحقیق به عنوان مؤلفه‌های مهم شناسایی شده‌اند. در مجموع می‌توان گفت که از تلفیق این دو یافته این نتیجه حاصل می‌شود که عوامل اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی در تمامی مناطق نقش موثری دارند. اما هر منطقه از کشور ویژگی‌های منحصر به فردی دارد که بر فرایند بهسازی تاثیر می‌گذارد. مثلاً در تحقیق یعقوبی در زنجان عوامل تکنیکی و فنی نیز اثر گذار بوده ولی در تحقیق ما در کرمانشاه عامل زمانی نیز تاثیر گذار بوده است.



## نتیجه گیری

در این تحقیق به مسائل و مشکلات پیش روی بهسازی مسکن روستایی در شهرستان کرمانشاه پرداخته شد. جامعه پاسخگو ناظران فنی بوده است. نتایج نشان می‌دهد که در بهسازی مسکن روستایی مشکل ناآگاهی مردم روستایی مطرح است. مردم روستایی دانش و آگاهی لازم را ندارند و به علت اینکه تاکنون کلاس‌های آموزشی برای آنان برگزار نشده است، نوعی اختلاف و بعضاً تنش بین ناظران و مردم روستایی بر سر امر نظارت وجود دارد. البته زلزله‌های اخیر کرمانشاه سبب شده تا حساسیت مردم نسبت به بحث بهسازی مسکن افزایش یافته و تعامل مناسب‌تری با ناظران فنی ایجاد شود و مردم از طریق رسانه‌ها و شبکه‌های مجازی درباره اهمیت بهسازی آگاهی پیدا کنند. همچنین مشکل ارتباط و تعامل ناظران فنی با روستاییان وجود دارد که حاکی از نوعی بی‌اعتمادی بین طرفین است. این دیدگاه در بین ناظران فنی وجود دارد که مردم روستایی دانش محدودی دارند و از طرفی روستاییان نیز به ناظران فنی به عنوان عوامل دولت و به عنوان فردی می‌نگرند که تنها در فرایند کاری آن‌ها اختلال ایجاد می‌کند. در عین حال مردم تمایل زیادی به بهسازی مسکن روستایی داشته‌اند یعنی در صورت وجود منابع مالی و شرایط مناسب سنی و خانوادگی نسبت به بهسازی تمایل دارند. با این همه مصالح ساختمانی عمدتاً از شهر می‌آیند و لذا کیفیت مناسبی دارند؛ اما هر چه از مرکز استان کرمانشاه فاصله گرفته می‌شود، کیفیت مصالح نامناسب‌تر می‌شود. علت این امر افزایش هزینه‌های حمل و نقل، کاهش نظارت و گرانی مصالح است. همچنین مردم روستاهای دورتر از نظر اقتصادی ضعیف‌تر هستند و امکان این‌که از مصالح با کیفیت‌تر بهره ببرند، کمتر است. با اینکه نگرانی‌هایی نسبت به کمی آگاهی مردم روستایی نسبت به طرح بهسازی مسکن روستایی وجود دارد، اما نتایج نشان می‌دهند که با گذشت زمان آگاهی و دانش مردم نسبت به طرح بهسازی بیشتر شده است. این افزایش آگاهی سبب شده تا حد زیادی مشکلات اجرای کار کاهش یابد، ولی همچنان نیاز به آگاهی بخشی و دوره‌های آموزشی احساس می‌شود. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که ۵ مؤلفه جنبه‌های فردی مردم و ناظران، تمایل و انگیزه مردم به بهسازی، میزان بهبود وضعیت مردم، چالش‌های قانونی و نظارتی و زمان اجرای پروژه بر بهسازی مسکن روستایی موثر هستند. در مناطقی که ناظر فنی و مردم روستایی به لحاظ ویژگی‌های فردی تعامل پذیرتر هستند، فرایند بهسازی بهتر پیش می‌رود. انگیزه مردم به بهسازی مؤلفه مهم دیگر است که می‌تواند باعث شود فرد روستایی بر مشکلات موجود فائق آید و بهسازی را انجام دهد. وضعیت اقتصادی مردم نیز مهم است. در مناطقی که مردم وضعیت اقتصادی نامناسبی دارند، تمایل به بهسازی کمتر است و هر چه توان اقتصادی مردم بیشتر باشد امکان بهسازی مسکن روستایی بیشتر می‌شود. چالش‌های قانونی و نظارتی و قوانین دست و پا گیر همچون محدوده روستا، طرح هادی و نقشه روستا، قرارگیری روستا در منطقه‌ای که دارای ارزش تاریخی یا طبیعی است، سبب می‌شود تا امکان بازسازی با چالش بیشتری روبرو شود. زمان اجرای پروژه نیز مهم است. به درازا کشیده شدن اجرای طرح بهسازی سبب می‌شود تا ساختمان‌ها نیمه تمام رها شده، فرد خسته شده و افراد دیگر نیز با مشاهده این وضعیت تمایل کمتری به بهسازی پیدا کنند. تسریع در اجرای پروژه بهسازی نظیر تسریع در دادن وام و طی مراحل قانونی می‌تواند به حل مشکلات زمان بر بودن طرح بهسازی کمک نماید.

از دیگر مشکلات طرح بهسازی عدم تطابق مسکن روستایی با بافت بومی و محلی است. این عدم تمایز هم از نظر فرهنگی مطرح بوده و هم از نظر زیست محیطی مطرح می‌باشد. بنیاد مسکن سه نقشه پیشنهادی دارد که فرد روستایی می‌تواند از بین آن‌ها طرح ساختمانی خود را انتخاب کند، اما این طرح‌ها بیشتر ظاهری شهری داشته و با معماری بومی و فضاهای طبیعی نواحی روستایی سنخیت ندارد که لازم است تغییراتی در این نقشه‌ها ایجاد شود، به شکلی که ضمن حفظ استانداردهای ساخت و ساز از معماری سنتی بهره ببرد. با توجه به نکات گفته شده پیشنهاد می‌شود که برای عملکرد بهینه بهسازی مسکن روستایی اقدامات زیر صورت گیرد:

۱. اقدامات آموزشی و ترویجی برای ناظران فنی و روستایان گذاشته شود تا درک بهتری نسبت به یکدیگر بدست آید.
۲. ضمن حفظ نظارت منسجم و قوی بوروکراسی اداری ساده تر شده و از پیچیدگی آن کاسته شود.
۳. تا حد امکان سیاست‌های تشویقی بیشتری برای جلب مردم روستایی برای بهسازی مسکن روستایی ایجاد شود.
۴. نقشه‌های ارائه شده توسط بنیاد مسکن انقلاب اسلامی براس بهسازی ساختمان‌ها مؤلفه‌های بومی و محلی را در نظر نگرفته که لازم است این مساله مورد توجه قرار گیرد.

## منابع

- استاندارداری کرمانشاه (۱۳۹۳)، نقشه شهرستان کرمانشاه، دفتر آمار و اطلاعات، گروه نقشه و GIS.
- بسحاق، محمدرضا؛ سالاروند، اسماعیل؛ صیدائی، سید اسکندر (۱۳۹۲)، تحلیل و ارزیابی شاخص‌ها و عوامل پایداری مسکن روستایی (مطالعه موردی: مناطق روستایی بخش مرکزی شهرستان روانسر)، مجله پژوهش و برنامه ریزی روستایی، ۴۸: ۴-۲۵.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۹۰)، گزارش عملکرد معاونت عمران روستایی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- بنیاد مسکن انقلاب اسلامی (۱۳۹۱)، گزارش عملکرد حوزه معاونت امور مسکن و بازسازی، انتشارات بنیاد مسکن انقلاب اسلامی.
- جمشیدی، علیرضا، جمینی، داود، صیدایی، اسکندر؛ نجفی، مریم (۱۳۹۲)، تحلیل شاخص‌های مسکن روستایی استان ایلام و سطح‌بندی آن‌ها با استفاده از تحلیل عاملی و خوشه‌ای، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۴۳: ۶۹-۸۸.
- حوزه هنری استان کرمانشاه (۱۳۹۳)، شهرستان کرمانشاه، [www.artkermanshah.ir](http://www.artkermanshah.ir)
- دلفوس، اولویه (۱۳۷۰)، تحلیل جغرافیایی، ترجمه سیروس سهامی، مشهد، نشر نیکا.
- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۴)، مسکن روستایی در برنامه‌های توسعه، نشریه هنرهای زیبا، (۲۷): ۴۷-۵۶.
- سرتیپی پور، محسن (۱۳۸۹)، ارزیابی و تحلیل مسکن روستایی استان سیستان و بلوچستان و پیشنهاد جهت گیری آتی، فصلنامه جغرافیا، ۸ (۲۷): ۱۳۵-۹۶.

- سعیدی، عباس؛ رحمانی فضلی، عبدالرضا؛ عزیزپور، فرهاد؛ محبی، علی اکبر (۱۳۹۲)، مسکن و پیوستگی ساختاری - کارکردی: بحثی در نظاموارگی فضای روستایی: مورد: روستاهای بخش راز و جر کلان شهرستان بجنورد (خراسان شمالی)، فصلنامه جغرافیا، ۳۲:۳۹-۷.
- شماعی، علی؛ پوراحمد، احمد (۱۳۸۴)، بهسازی و نوسازی شهری از دیدگاه علم جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران، تهران، ۴۰۲ صفحه.
- شمس الدینی، علی (1387)، جایگاه مسکن روستایی در تأثیرپذیری تغییرات کالبدی-فضایی روستاها از محیط‌های شهری، فصلنامه مسکن و انقلاب، (۱۲۴):۵۱-۴۴.
- شیروانیان، عبدالرسول؛ بخشوده، محمد؛ مهرجو، سعید (۱۳۹۲)، مقایسه رویکرد فقر درآمدی و رویکرد چندبعدی فقر مسکن در برنامه‌ی حمایت از مسکن روستایی در ایران، مجله تحقیقات اقتصاد کشاورزی، ۱۹:۸۱-۶۵.
- سیدایی، سیداسکندر؛ کیانی سلمی، صدیقه؛ سلطانی، زهرا (۱۳۸۹)، تحلیل فضایی وضعیت مسکن روستایی در استان کهگیلویه و بویراحمد، پژوهش‌های روستایی، ۱ (۲):۷۲-۴۹.
- غفاری، غلامرضا؛ ابراهیمی لویه، عادل (۱۳۸۴)، جامعه‌شناسی تغییرات اجتماعی، تهران، نشر آگرا لویه.
- قالیباف، محمد باقر؛ رمضان زاده لسبویی، مهدی؛ یاری شگفتی، اسلام (۱۳۹۰)، سنجش میزان رضایتمندی ساکنان روستایی از کیفیت زندگی و آثار آن بر امنیت مناطق مرزی، مطالعه موردی: بخش نوسود استان کرمانشاه، فصلنامه روستا و توسعه، ۱۲ (۳):۱۸۴-۱۶۳.
- کلانتری، خلیل؛ خواجه شاهکوهی، علیرضا (۱۳۸۱)، بررسی مشکلات و موانع اجرایی طرح‌های بهسازی و موانع اجرایی طرح‌های بهسازی و کالبدی روستایی از نظر سرپرستان خانوارهای روستایی در شهرستان گرگان، مجله اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۳۸ (۱۰):۱۹۹-۱۸۵.
- کلانتری، خلیل؛ خواجه شاهکوهی، علیرضا (۱۳۸۱)، بررسی مشکلات و موانع اجرایی طرح‌های بهسازی و کالبدی روستایی از نظر سرپرستان خانوارهای روستایی در شهرستان گرگان، اقتصاد کشاورزی و توسعه، ۱۰ (۳۸):۱۹۹-۱۸۵.
- کیانی اکبر، سالاری سردری فرضعلی، افراسیابی‌راد محمدصادق (۱۳۸۹)، بررسی هویت شهری در بهسازی و نوسازی بافت‌های تاریخی (مطالعه موردی: شهر گور - فیروزآباد)، ۱۰ (۳۰): ۴۳-۲۱.
- گلیپایگانی، عبدالعلی؛ خانجانی، نرگس، زیدآبادی، اعظم (۱۳۹۲)، طرح مسکن روستایی و تاثیر آن بر شاخص‌های بهداشتی و ایمنی مسکن، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۵۸: ۱۴۴-۴۹.
- لحمیان، رضا (۱۳۹۶)، ارزیابی اثرات اجتماعی بهسازی بافت فرسوده محلات شهری، مطالعه موردی: محله امامزاده یحیی شهر ساری، مجله جغرافیا، ۵۲: ۴۱۰-۳۹۵.
- لطیفی، احمد رضا (۱۳۸۴)، نگرشی بر مسکن روستایی ایران و بازسازی و مقاوم‌سازی آن، نخستین همایش ملی استحکام بخشی ساختمان‌های بنایی غیرمسلح و بناهای تاریخی، نخستین همایش ملی استحکام بخشی ساختمان‌های بنایی غیرمسلح و بناهای تاریخی، شیراز.

مطوف، شریف؛ خدائی، زهرا (۱۳۸۸)، الگوهای رونق بخشی، نوسازی و بهسازی بافت‌های فرسوده شهری، فصلنامه مطالعات مدیریت شهری، ۱(۳): ۱۴۸-۱۲۷.

موحد، خسرو؛ فتاحی، کاوه (۱۳۹۲)، بررسی نقش اقلیم و محیط در شکل دهی فرم سازه مسکن روستایی استان فارس، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۴۱: ۵۰-۳۷.

مهدوی نژاد، محمدجواد؛ پورفتح اله، مائده؛ علی محمدی، فرزانه (۱۳۹۲)، ضرورت آموزش «خانوده مبنا» جهت مقاوم سازی مسکن روستایی، فصلنامه مسکن و محیط روستا، ۱۴۳: ۵۲-۳۹.

مهندسان مشاور تدبیر شهر (۱۳۸۵)، گونه‌شناسی مسکن روستایی و ارائه الگوهای بهینه مسکن در استان کرمانشاه، بنیاد مسکن انقلاب اسلامی، استان کرمانشاه.

ولیزاده قره آغاجی؛ محمدرضا؛ سلیقه، الهام (۱۳۸۸)، ارزیابی طرح‌های اجرا شده مساکن روستایی طرح ویژه بهسازی بر اساس احکام و ضوابط طرح گونه‌شناسی مسکن روستایی استان آذربایجان شرقی، اولین کنفرانس ملی مسکن و توسعه کالبدی روستا.

یدقار، علی (۱۳۸۳)، روند تحول و چالش‌های عمران و توسعه روستایی در ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، ۴۸: ۹۰-۷۱.

یعقوبی، جعفر؛ رنجور، ابوالفضل؛ خشنودی فر، زهرا (۱۳۹۲)، تحلیل مؤلفه‌های پیش برنده در اجرای موفقیت-آمیز طرح بهسازی و نوسازی مسکن روستایی: مورد: شهرستان خدابنده، فصلنامه جغرافیا و توسعه، ۳۲: ۱۴۹-۱۶۱.

Cochrane, P. (2007). **Forestry and rural development: exploring the context as well as the product**, Ecological Economics Research Trends Book, Chapter 9, Nova Science Publishers Inc, Hauppauge, New York.

UNDP (2007). **Human Development Report**, (2006). [www.undp.org](http://www.undp.org).